

جایگاه قاعده اعراض در حقوق ایران

سید میثم فضلی زنوز

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

علی مهاجری

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد

اسلامی واحد دامغان

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۵	فصل اول : کلیات در معانی و مفاهیم
۱۷	مبحث اول: مال و اقسام آن
۱۷	گفتار اول: تعریف مال
۱۹	گفتار دوم: عناصر مال
۲۱	گفتار سوم: اقسام مال
۲۲	بند اول: اعیان منافع
۲۵	بند دوم: منی، و منی
۲۶	بند سوم: اموال منقول و قابل بقاء
۲۷	بند چهارم: اموال منقول و غیر منقول
۳۰	بند پنجم: مال یمالک و با منک
۳۱	مبحث دوم: حق و اقسام آن و طرق اسقاط انواع حقوق مالی
۳۲	گفتار اول: تعریف حق
۳۳	گفتار دوم: اقسام حق
۳۳	بند اول: حق غیر مالی
۳۴	بند دوم: حق مالی
۳۶	گفتار سوم: اقسام حقوق مالی
۳۶	بند اول: حق دینی
۳۷	بند دوم: حق عینی
۳۸	گفتار چهارم: اسقاط حق دینی
۳۸	بند اول: ایفاء
۳۹	بند دوم: ابراء
۴۱	گفتار پنجم: اسقاط حق عینی
۴۱	بند اول: انتقال

۴۲	بند دوم: اعراض
۴۲	مبحث سوم: مفهوم و ماهیت اعراض
۴۲	گفتار اول: مفهوم لغوی اعراض
۴۳	گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی اعراض
۴۴	گفتار سوم: ماهیت حقوقی اعراض
۴۶	مبحث چهارم: بررسی مفاهیم مشابه با اعراض
۴۷	گفتار اول: اسقاط
۴۹	گفتار دوم: ابراء
۵۰	گفتار سوم: اباحه تملک
۵۱	گفتار چهارم: اخصه
۵۲	گفتار پنجم: استثناء
۵۵	فصل دوم: مدارک و مستندات، شرایط تحقق و آثار اثبات قاعده اعراض
۵۷	مبحث اول: مدارک و مستندات قاعده اعراض
۵۷	گفتار اول: کتاب (قرآن)
۶۲	گفتار دوم: روایات
۶۸	گفتار سوم: بنای عقلاء
۶۹	گفتار چهارم: اتفاق علما (اجماع)
۷۰	گفتار پنجم: اصل علیت
۷۲	گفتار ششم: قاعده تسلط
۷۳	گفتار هفتم: قاعده اقدام
۷۵	مبحث دوم: شرایط لازم برای تحقق اعراض
۷۶	گفتار اول: مالکیت اعراض کننده
۷۷	گفتار دوم: شرایط اساسی صحت اعراض
۷۷	بند اول: قصد و رضا
۸۲	بند دوم: اهلیت
۸۳	بند سوم: موضوع معین
۸۴	بند چهارم: مشروعیت جهت

۸۶	گفتار سوم: ارکان و عناصر اعراض و صور مختلف آن
۸۶	بند اول: رکن مادی و معنوی
۸۸	بند دوم: صور مختلف اعراض با توجه به ارکان آن
۱۰۵	مبحث سوم: اثبات و آثار تحقق اعراض از مالکیت
۱۰۵	گفتار اول: اثبات وقوع قاعده اعراض در دادرسی و مرجع صالح
۱۱۰	گفتار دوم: راههای اثبات اعراض
۱۱۸	مبحث چهارم: آثار تحقق اعراض
۱۱۸	گفتار اول: اعراض و انفال
۱۲۶	گفتار دوم: اعراض و مباحات
۱۳۳	مبحث پنجم: عده اعراض و اموال مجهول المالک و نقش حاکم بر آنها
۱۳۳	گفتار اول: اعراض و اموال مجهول المالک
۱۳۶	گفتار دوم: نقش حاکم در قاعده اعراض و شرح وظایف آن در قوانین مختلف
۱۴۳	فصل سوم: جایگاه قاعده اعراض در اموال، حقوق و منافع و موارد خاص
۱۴۵	مبحث اول: اعراض در اموال، حقوق و منافع
۱۴۵	گفتار اول: اعراض در اموال
۱۴۶	بند اول: اعراض در اموال عینی
۱۴۷	بند دوم: اعراض در مالکیت معنوی
۱۵۴	بند سوم: اعراض در اسناد تجاری
۱۵۶	گفتار دوم: اعراض در حقوق و منافع
۱۵۶	بند اول: اعراض از حق
۱۵۹	بند دوم: اعراض از حق انتفاع و مالکیت منافع
۱۶۲	بند سوم: اعراض در حقوق صنفی و سرقتی
۱۷۰	مبحث دوم: اعراض در املاک و ارضی
۱۷۱	گفتار اول: قاعده اعراض در اموال غیر منقول ثبت شده
۱۷۵	گفتار دوم: اعراض در اراضی و املاک از نظر فقها
۱۷۷	گفتار سوم: انواع اراضی
۱۸۲	بند اول: بسط اراضی بایر در قوانین مختلف و اعراض از آن

- بند دوم: بسط اراضی موات در قوانین مختلف و اعراض از آن ۱۸۷
- مبحث سوم: بررسی قاعده اعراض در عرف و موارد خاص ۱۹۸
- گفتار اول: اعراض در عرف ۱۹۸
- گفتار دوم: اعراض از اموال منقول ثبت شده ۲۰۰
- گفتار سوم: اعراض معلق بر فوت ۲۰۱

منابع ۲۰۳

www.ketab.ir

مقدمه

در فقه اسلامی که حقوق ایران از آن برگرفته شده و تأثیر گرفته است اصل حاکمیت اراده با عبارت (العقود تابعه للقصود) شناخته شده و معنی آن نیز این است که عقود و قراردادها تابع اراده و قصد طرفین است و روایاتی نیز در این خصوص بیان شده مانند (انما الاعمال بالنيات) و (لا عمل الا بنیه) و (لکل امرء ما نوى). در قانون مدنی نیز در ماده ۱۰ به اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادها پرداخته شده که این ماده بیان می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». باید توجه کرد که هدف افراد نیز از اصل حاکمیت اراده و آزادی، قراردادهای تأمین مصالح و منافع و حفظ اموال و مالکیت خود تا حد اکثر امکان می‌باشد البته آن آزادی اراده باید طوری باشد که به آزادی اراده طرف مقابل نیز خللی وارد نکند و آسیبی به آن نرساند قاعده لاضرر نیز همین نکته است که در اصل ۴۰ قانون اساسی و مواد مختلفی از قانون مدنی مورد تأکید قرار گرفته با این توضیح که هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خود را وسیله اضرار غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. باید به این نکته توجه داشت که مبنای مالکیت در بسیاری از موارد کار و زحمت انسان است و نتیجه تلاش و زحمت و استیلا اوست و با توجه به اینکه اموال و دارائی جامعه محدود است پس نباید اموال به هدر رفتن یا معطل گذاشته شود و هرکس فقط حق تسلط بر نفس و اموال خود را دارد. در این مبنا اسلام نیز تأکید زیادی بر حرمت مال مسلمین صورت گرفته است خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید (یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا)^۱ یعنی (ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتی با

رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید خداوند نسبت به شما مهربان است). این آیه از قوانین اسلامی در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات مالی است. لذا فقهای اسلام در مسائل معاملات به آن استدلال می کنند. و از مبانی و مصادیق قاعده فقهی احترام نیز می باشد. مسلمانان از تصرف و تملک نابجای اموال یکدیگر باز داشته شده اند و طبق قاعده فقهی «حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ» احترام مال مسلمانان مانند خون آنها واجب است. باید گفت: قانون مدنی ایران بیان کننده بیشترین و مهمترین قواعد و مقررات مربوط به روابط خصوصی بین افراد و جامعه است و در این قانون حقوق اموال روابط مالی و ماهیت مال و نحوه انتقال و زوال مالکیت از مهمترین مباحث به شمار می رود و در این قانون در ماده ۲۱۰، آمده است: «ان با اموال را اینگونه بیان می کند. «ممکن است اشخاص نسبت به اموال علاقه های ایل دارا باشند: ۱- مالکیت (اعم از عین یا منفعت) ۲- حق انتفاع ۳- حق ارتفاق به مدت غیر». یا ممکن است زایل کننده رابطه حقوقی مانند ابراء و یا اعراض باشد. اعراض در لغت به بنهایی از ماده (عرض) و بر وزن افعال و در لغت به معنی ظاهر شدن چیزی است. اما هرگاه این کلمه با حرف جر (عن) بکار رود معادل فارسی آن روی گردانی از شی و یا پشت کردن به چیزی خواهد بود. همانطور که خداوند در قرآن در آیه ۱۹۹ سوره اعراف خطاب به پیامبر اکرم می فرماید: (و اعراض عن الجاهلین) یعنی از جاهلان روی بگردان. بنابراین مفهوم اعراض روی گردانی است که ممکن است نسبت به هر چیزی صورت بگیرد. باید به خاطر نشان کرد که روی گردانی مالک از اموالش را به دو گونه می توان تقسیم کرد، گاه مالک انتفاع از مالش را به طور موقت یا دائم متوقف می کند و گاه عین مال را ترک کرده و مال را دور می اندازد و هیچ گاه قصد بازگشت نداشته و مقصودش اسقاط حق ملکیت خویش است پس می توان اعراض را در اصطلاح فقهی و حقوقی اینگونه تعریف کرد: (رفع ید از عین و رها ساختن آن بدون تملک عین به غیر و یا مباح ساختن منافع به دلخواه مالک) مثلاً تصور کنید کشاورزی روستایی که از نظر اقتصادی تحول عظیمی در زندگی او رخ

می‌دهد و شغل خود را رها کرده و در کلان شهرها مشغول تجارت می‌شود و در نتیجه زمین، باغ و ابزار آلات کشاورزی و دیگر اسباب خود را ترک می‌کند و یا افراد پر درآمد و سرمایه دار را در نظر بگیرید که هر چند سال یکبار از وسایل زندگی خود از قبیل مبلمان، فرش و موارد دیگر بیرون خانه قرار می‌دهند و آنها را ترک می‌کنند و بجای آن انواع دیگری را جایگزین می‌کنند در این گونه مثال‌ها و موارد مشابه افراد از اموال خود روی گردان می‌شوند و در اصطلاح از اموال خود اعراض می‌کنند. شایسته ذکر است که اعراض از نظر بیشتر فقها و حقوقدانان یکی از اسباب زوال مالکیت قرار گرفته است که با جمع شرایط اعراض، مال از مالکیت مالک خارج می‌شود. این رابطه بین اموال و انسان ممکن است بصورت قهری و ارادی ناشی شده از اعمال حقوقی از قبیل عقد یا ایقاعات و یا قایم حقوق باشد. از رایج‌ترین طرق مالکیت که به صورت قهری حاصل می‌شود می‌توان به موارد اشاره کرد که بدون دخالت انسان به دست می‌آید و مالکیت ارادی نیز از طریق اعراض حقوقی است که ممکن است ایجاد کننده رابطه حقوقی و مالکیت از قبیل حيازت مباحات مانند صید و شکار و یا منتقل کننده مالکیت مانند برخی از عقود و ایقاعات مانند بیع و حاره و صلح و شده و رابطه اعتباری مالکیت قطع می‌شود البته باید توجه داشت اعراض از جنبه‌های مختلف حتی از اصل موضوع و مفهوم و ماهیت و آثار و نتایج و نحوه اثبات بین فقها و حقوقدانان مورد بحث و اختلاف نظر است.